

بررسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر اساس رویکرد واقع گرایی آرمان گرایانه روح الله رضائی (۱۳۹۲-۱۳۹۶)*

نوع مقاله: بنیادی

DOR: 20.1001.1.15601986.1400.28.3.6.9

فاطمه محسنی آژیه** سعید عطار***

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۷/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۹/۲۱

چکیده

این مقاله با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی، به این پرسش پاسخ می‌دهد که براساس نظریه واقع گرایی آرمان گرایانه روح الله رضائی، چگونه می‌توان الگوی حاکم بر سیاست خارجی ایران در سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۶ را تحلیل کرد. درواقع، نویسندگان مقاله تلاش می‌کنند با استفاده از رویکرد واقع گرایی آرمان گرایانه روح الله رضائی، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در یکی از مهم‌ترین ادوار تاریخ چند دهه اخیر یعنی سال‌هایی که به توافق برجام منجر شد (۱۳۹۲-۱۳۹۶) را مورد بررسی قرار دهند. رفتار سیاست خارجی جمهوری اسلامی در این دوره، نمونه‌ای از آن الگویی است که رضائی آن را واقع گرایی آرمان گرا می‌نامد. فهم این الگو کمک می‌کند تا بتوان با حدی از ضریب خطا، پیش‌بینی از رفتارهای آینده کارگزاران سیاست خارجی جمهوری اسلامی در حوزه‌های مختلف ارائه کرد. در ادامه با این مفروض که نهادهای گوناگونی در سیاست خارجی ایران دخیل هستند، به تحقیق پرداخته‌ایم. شیوه جمع‌آوری داده‌ها کتابخانه‌ای و جستجو در مقالات و سایت‌های معتبر است.

واژگان کلیدی: آرمان گرایی، واقع گرایی، واقع گرایی آرمان گرا، سیاست خارجی جمهوری اسلامی، روح الله رضائی.

* این مقاله از پایان‌نامه کارشناسی ارشد نویسنده مسئول مستخرج شده است.

** نویسنده مسئول، کارشناس ارشد روابط بین‌الملل، دانشگاه یزد، ایران.

*** دانشیار علوم سیاسی روابط بین‌الملل، دانشگاه یزد، ایران.

مقدمه و بیان مسئله

انقلاب اسلامی در ایران، منجر به دگرگونی در حوزه‌های مختلف حکمرانی از جمله در سیاست خارجی کشور شد. اینکه چه الگوی رفتاری بر سیاست خارجی ایران پس از انقلاب حاکم بوده، پرسشی است که پژوهشگران مختلفی به آن پرداخته‌اند. با اینکه می‌توان دسته‌بندی‌های مختلفی از پاسخ‌های این پژوهش‌ها ارائه کرد اما از یک نظر، می‌توان گفت که عمده نظریاتی که برای ترسیم سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران مورد استفاده قرار گرفته عبارت بوده از: سازه‌نگاری (تاکید بر هویت)، واقع‌گرایی (تاکید بر قدرت به‌ویژه قدرت سخت) و آرمان‌گرایی (تاکید بر آرمان‌ها) (احمدیان و بنی‌اشراف، ۱۳۹۸: ۱۵۸). در میان این پژوهشگران، معدود افرادی نیز هستند که از رویکردهای تلفیقی برای تحلیل الگوی سیاست خارجی ایران استفاده می‌کنند. روح‌الله رضانی، از جمله مهم‌ترین این پژوهشگران محسوب می‌شود که با طرح نظریه واقع‌گرایی آرمان‌گرا، سیاست خارجی ایران پس از انقلاب را تحلیل می‌کند.

این مقاله با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی، به این پرسش پاسخ می‌دهد که بر اساس نظریه واقع‌گرایی آرمان‌گرایانه رضانی، چگونه می‌توان الگوی حاکم بر سیاست خارجی ایران در دوره سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۶ را تحلیل کرد. درواقع، نویسندگان مقاله تلاش می‌کنند با استفاده از رویکرد واقع‌گرایی آرمان‌گرایانه روح‌الله رضانی، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در یکی از مهم‌ترین ادوار تاریخ چند دهه اخیر یعنی سال‌هایی که به توافق برجام منجر شد (۱۳۹۲-۱۳۹۶) مورد بررسی قرار دهند. رفتار سیاست خارجی جمهوری اسلامی در این دوره، نمونه‌ای از آن الگویی است که رضانی آن را واقع‌گرایی آرمان‌گرا می‌نامد. فهم این الگو کمک می‌کند تا بتوان با حدی از ضریب خطا، پیش‌بینی از رفتارهای آینده کارگزاران سیاست خارجی جمهوری اسلامی در حوزه‌های مختلف ارائه کرد.

آنچه سبب تمایز این نگارش نسبت به سایر مقالات است، نخست زمان مورد بررسی و دوم الگوی نظری مورد استفاده می‌باشد.

در ادامه پس از ارائه مباحث نظری و تفاسیری چند از آن به مصادیق آن در سپهر سیاسی جمهوری اسلامی ایران و در نهایت به تاثیر آن در سمت‌گیری‌ها و تصمیم‌سازی‌های سیاسی و نتیجه‌گیری نهایی خواهیم پرداخت.

بحث نظری

رویکردی که در این تحقیق از آن استفاده شده است رویکرد واقع‌گرایی آرمان‌گرا^۱ است که توسط روح‌الله رضاضی مطرح شده است و دارای مفاهیم متعددی است که آن را از سایر نظریات واقع‌گرایانه و آرمان‌گرایانه روابط بین‌الملل تمیز می‌دهد. از جمله اینکه:

- در این رویکرد نظام بین‌الملل فعلی نظامی ناعادلانه و نظامی موقتی است که «نظم جهانی اسلام»^۲ جایگزین آن خواهد بود.

- اعتقاد به اصل موازنه منفی^۳ که دنباله‌ای از موازنه عدمی است و در سایه این مفهوم است که اصل «نه شرقی نه غربی» معنا می‌یابد.

- در این رویکرد واحد اولیه و اساسی مردم در جامعه سیاسی، اسلام است.

- یکی دیگر از مفاهیم مهم در این رویکرد رهبری ولایت فقیه است که به‌عنوان عامل موازنه‌گر^۴ و عاملی برای وحدت است.

نکته دیگری که در این رویکرد قابل توجه است، وجود دوگانه آرمان‌گرا و واقع‌گرا می‌باشد که ریشه این دوگانگی به مبارزات ضد رژیم، قبل از انقلاب و سمت‌گیری‌ها در بعد از انقلاب سال ۱۳۵۷ بازمی‌گردد. ملت‌گرایان لیبرال (واقع‌گرایان) در یک‌سو و اسلام‌گرایان (آرمان‌گرایان) در سوی دیگر طیف قرار داشتند. بعد از انقلاب ملت‌گرایان لیبرال عملاً از صحنه قدرت کنار گذاشته شدند و اسلام‌گرایان خود به دوشاخه واقع‌گرایان انقلابی و آرمان‌گرایان انقلابی تقسیم شدند. این دوگانه واقع‌گرایی و آرمان‌گرایی در دو سر طیف رویکرد واقع‌گرای آرمان‌گرا قرار می‌گیرند و هریک موضعی خاص در قبال مفاهیم این رویکرد اتخاذ می‌کنند که دارای وجوه تمایز و تشابه هستند.



شکل ۱

منبع: یافته‌های تحقیق

1 - Idealist realism

2 - The World order of Islam

3 - Negative balance

4 - Balancer

در توضیح این مفاهیم باید گفت که نظم جهانی اسلام آرمانی است که این رویکرد دنبال می‌کند. واقع‌گرایان آرمان‌گرا از طریق «صدور انقلاب اسلامی» در صدد تحقق این موضوع هستند. شیوه‌های نیل به این مقصد در آرمان‌گرایان و واقع‌گرایان متفاوت است به نحوی که واقع‌گرایان معتقد هستند برای تحقق آرمان بزرگ نظام جهانی اسلام و هدف کوچک‌تر صدور انقلاب باید نخست در داخل این نظم پا بگیرد یعنی کشور را اسلامی بسازیم تا بتواند الگویی برای کشورهای محروم شود. این عقیده شیوه‌های مسالمت‌آمیزتر واقع‌گرایان را در سیاست خارجی نسبت به آرمان‌گرایان در پی دارد. این در حالی است که آرمان‌گرایان برای برپایی نظام جهانی اسلامی عمدتاً رویکردی مواجهه‌جویانه و ضدغربی را اتخاذ می‌کنند.

- اعتقاد به موازنه منفی راهی برای تحقق شعار «نه شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی» است. واقع‌گرایان در این راستا همزیستی مسالمت‌آمیز، و روابط با کشورها و تاکید بیشتر بر ژئوپلیتیک برای جلوگیری از انزوا را در سیاست خارجی خود می‌گنجانند. وابستگی متقابل^۱ مفهومی است که متضمن مناسبات عقلایی، سالم و موجه با همه کشورها است و واقع‌گرایان در صدد آن هستند که در مناسبات سیاست خارجی آن را به کار می‌گیرند. در حالی که آرمان‌گرایان با تاکید بیشتر بر «نه شرقی، نه غربی» روابط با شرق و غرب و کشورهای نزدیک با آنها را محدود کرده و اهمیت زیادی به منزوی شدن کشور نمی‌دهند بلکه گاه با تکیه بر این سخن آیت‌الله خمینی که «باید منزوی شویم تا مستقل شویم» آن را مقبول و لازمه استقلال می‌دانند.

- واحد اولیه وفاداری به مردم در نظام سیاسی، اسلام است. به این معنا که در این رویکرد برای واقع‌گرایان و آرمان‌گرایان انقلابی به جای دولت ملی، اسلام در الویت قرار دارد. این مسئله بین هردو سر طیف مشابه است. آنچه سبب تمایز بین این دو می‌گردد وزن نسبی بین دولت ملی و منافع ملی در مقابل منافع ایدئولوژیک و اسلامی است. واقع‌گرایان در سیاست خارجی تاکید بیشتر بر ایرانی بودن (دولت ملی) و منافع ملی می‌دهند درحالی که ایدئولوژی و اسلام برای آرمان‌گرایان دارای اهمیت بیشتری است.

- رهبری ولایت فقیه به عنوان توزان‌گر و عامل وحدت؛ ولی فقیه که برخاسته از اندیشه‌های اسلامی-شیعی و ابتکار عمل جمهوری اسلامی است، نه یک آرمان‌گرای محض و نه یک واقع‌گرای

1 - Interdependence

مطلق، بنابراین نیرویی متوازن کننده بین دوگانه آرمان گرایان و واقع گرایان است. با توجه به مسائل و سیاست سیال و رنگارنگ^۱ بازیگران سیاسی در جمهوری اسلامی نیاز به حضور یک نیروی توازن گر احساس می شود. سیاست رنگارنگی که سبب می شود آرمان گرای امروز واقع گرای فردا شود - یا برعکس - و یا کسانی که در مورد یک دسته از مسائل آرمان گرا محسوب می شوند درباره دسته دیگر از مسائل واقع گرا باشند (رمضانی، ۱۳۸۴).

عوامل موثر در سیاست خارجی

باید توجه داشت که برای بررسی سیاست خارجی عوامل و متغیرهای متعددی دخیل هستند که در نوعی از تقسیم بندی که با توجه به سطح تحلیل ملی، منطقه ای و بین المللی صورت می گیرد این عوامل تاثیر گذار در سیاست خارجی در سه گروه داخلی، منطقه ای و بین المللی قرار می دهد. این عوامل شامل: تصمیم گیرندگان، برداشت های سیاست گذاران خارجی - که طیف گسترده ای از دوستی و دشمنی، اعتماد و عدم اعتماد را شکل می دهد - ایدئولوژی، فرهنگ و ارزش ها و سابقه تاریخی، نیازها و شرایط داخلی، تامین نیازهای داخلی اعم از اقتصادی و تکنولوژیک، فرهنگی و تکنولوژیک، فرهنگی و امنیتی، ساختار نظام بین الملل و نیز ژئوپلیتیک است (قوام، ۱۳۹۲).

- ساختار نظام بین الملل: کوچک شدن جهان و تبدیل آن به یک دهکده جهانی، پیچیدگی افزون حوادث به دلیل افزایش بازیگران صحنه بین الملل اعم از کشورها، سازمان های بین المللی، شرکت های فراملی و گروه های زیادی که منافع آنها در خارج از مرزهای خود است، تغییرات در حوزه های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی که روند سریع تری به خود گرفته است و نهایتا بزرگی و عظمت نتایج عملکرد هر واحد سیاسی در صحنه بین الملل نسبت به گذشته، چندی از ویژگی های جهان معاصر است (ملکی، ۱۳۸۵). در این بین سخت گیری ها و نقش کشورها را می توان مربوط به ترکیب قدرت و نفوذ در ساختار نظام بین الملل دانست. ساختار بین الملل محدودیت ها و فرصت ها و امکاناتی را برای کشورها به وجود می آورد.

- ژئوپلیتیک: ژئوپلیتیک تاثیر و ویژگی های جغرافیایی و سرزمینی موقعیت یک کشور در عرصه سیاست را ارزیابی می کند. موقعیت جغرافیایی ایران، آن را بین دو منطقه سرشار از انرژی در

جهان قرار داده؛ شمال دریای خزر و جنوب خلیج فارس. پس از جنگ سرد ایران به صورت قدرت منطقه‌ای در منطقه آسیای جنوب غربی ظهور کرد و در حالی که از لحاظ ژئواستراتژیک بر اهمیت خود می‌افزود در دو منطقه بزرگ‌تر یعنی خاورمیانه و قفقاز نفوذ خود را گسترش داد. ایران در هر منطقه با توجه به نیازهای اقتصادی و امنیتی خود سیاست‌های مشخصی را اتخاذ می‌کرد. چنانچه محرک اصلی برای همکاری‌های ایران با کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز اقتصادی است در حالی که محرک اصلی در همکاری با کشورهای جنوب خلیج فارس به علت حضور سربازان آمریکایی در منطقه، بیشتر بعد امنیتی است. ایران به لحاظ وسعت، مرز، شکل و وضعیت اقلیمی منحصربه‌فرد است، چرا که با ۱۵ کشور همسایه مرز آب و خاکی داشته و پل ارتباطی بین چهار منطقه خلیج فارس، آسیای مرکزی و قفقاز، شبه‌قاره هند و منطقه شرق مدیترانه است.

- تصمیم‌گیران: شامل رهبران و مسئولین در حوزه سیاست خارجی است. در فرآیند اتخاذ تصمیم افراد و گروه‌های گوناگون با زمینه‌های اجتماعی، فرهنگی، ارزشی، اعتقادی، سیاسی و اقتصادی مختلف دخیل هستند. بنابراین تفاسیر و برداشت‌های آنها، تجربیات و تفکرات آنان در باب مسائل، مختلف می‌باشد. به علاوه اینکه رفتارها و برداشت‌های هر یک ممکن است در طول زمان دچار دگرگونی گردد (فوزی، ۱۳۸۸: ۴). چنانچه روح‌الله رضانی معتقد است که ممکن است آرمان‌گرایان فعلی واقع‌گرایان آینده باشند. به علاوه نهادهای مختلف رسمی و غیررسمی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران دخیل هستند. نهادهای رسمی شامل:

الف) قانون اساسی: قانون اساسی انقلابی دستاورد اندیشه انقلابیونی بود که ادعاهای خود را در سطح اسلام‌گرایانه، امت‌گرایانه و جهان‌وطنانه مطرح می‌کنند (محمدی گماری و خلیلی، ۱۳۹۲). «سعادت انسان در کل جامعه بشری، استقلال کشور، ظلم‌ستیزی و عدالت‌خواهی، طرد نظام سلطه در جهان و حمایت از مبارزه حق‌طلبانه مستضعفین، تعهد برادرانه نسبت به همه مسلمانان، ائتلاف و اتحاد ملل مسلمان و وحدت جهان اسلام و نیز دفاع از حقوق مسلمانان جهان، نفی هرگونه ستمگری و ستم‌کشی و نفی هرگونه سلطه‌گری و سلطه‌پذیری و عدم تعهد در برابر مدعی‌های سلطه‌گر، طرد کامل استعمار و جلوگیری از نفوذ اجانب و حفظ تمامیت ارضی و نیز نفی و اجتناب از پیمان‌هایی که موجب سلطه بیگانه بر منابع طبیعی و اقتصادی کشور، فرهنگ و ارتش گردد، روابط صلح‌آمیز متقابل با دول غیر محارب، صداقت و وفای به عهد در معاهده‌ها»

از اهدافی است که در قانون اساسی مطرح است (ملکی، ۱۳۸۵).

ب) نهاد رهبری: بخش مهمی از تصمیمات سیاست خارجی به طور مستقیم یا غیرمستقیم برعهده رهبری است. علاوه بر تعیین سیاست‌های کلی نظام و اختیار اعلام جنگ و صلح مطابق اصل ۱۱۰ قانون اساسی، تمامی مصوبات شورای عالی امنیت ملی که رهبری اختیار نصب دوتن از اعضای آن را دارد، نیز باید به تایید رهبری برسد (ملکی، ۱۳۸۵). رهبری بر اساس اختیاراتی که به عنوان ولایت مطلقه فقیه دارد در هر جا و هر مورد که لازم بداند تصمیماتی اتخاذ می کند که سیاست خارجی نیز از این امر مستثنی نیست. این تصمیمات محدودیتی از لحاظ قانونی ندارد، لازم الاجرا و لازم‌الاتباع است (پورسعید، ۱۳۸۷).

ج) قوه مجریه و وزارت خانه ها - به خصوص وزارت امور خارجه -: قوه مجریه، یکی از دستگاه‌های سیاست‌گذاری خارجی است که رئیس قوه مجریه مسئولیت اصلی برقراری روابط دیپلماتیک و اداره روابط بین‌المللی را برعهده دارد و از طریق وزارت امور خارجه این مسئولیت را انجام می دهد. رئیس‌جمهور با معرفی و تعیین وزیر امور خارجه، سفرا و نمایندگان جمهوری اسلامی و پذیرش سفرای خارجی، امضای عهدنامه‌ها، قراردادهای و امضای پیمان‌نامه‌های مربوط به اتحادیه‌های بین‌المللی در سیاست خارجی دخیل است. همچنین برقراری یا قطع روابط با کشورها و نیز کاهش یا افزایش این روابط از اختیارات قوه مجریه است (صداقت، ۱۳۹۸: ۷۸). اصل بر این است که رئیس دولت اعضای کابینه را در جریان مسائل سیاست خارجی قرار دهد تا به هریک امکان بررسی و تحلیل مسائل از زاویه خاص و مربوط به خود را دهد. اصول سوم، سیزدهم و صدویست و پنج قانون اساسی وظایف و اختیارات دولت را برمی شمارد.

- وزارت امور خارجه: به موجب قانون مقررات استخدامی وزارت امور خارجه، وظایف این وزارت خانه در پنج حوزه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، مطبوعاتی و کنسولی است. به علاوه در برنامه سوم توسعه وزارت خارجه تنها نهاد ناظر بر تمامی روابط خارجی دانسته شده است و سایر دستگاه‌ها و واحدهایی که به نحوی در خارج از کشور فعالیت دارند یا فعالیت آنها اثرگذار در روابط خارجی است، ملزم به اجرای سیاست‌های ابلاغی از سوی وزارت امور خارجه هستند. نویسندگانی چون علیرضا ازغندی بر این باور هستند که به علت تعداد مراکز و سازمان‌های تصمیم‌گیری سیاست‌های متفاوت و متناقض ارگان‌های مختلف در ارتباط با سیاست خارجی

و اقدامات مستقیم نهادهای مختلف دولتی و غیردولتی و امثالهم، کارکرد عقلایی وزارت امور خارجه در روابط خارجی مورد تردید بوده و نه فقط موجب کندی اجرای سیاست‌های اتخاذ شده، بلکه در خنثی کردن تلاش‌های وزارت امور خارجه، وزیر و کارمندان عالی‌رتبه نیز خواهد شد (پورسعید، ۱۳۸۷: ۳۲۹). هرچند در شرح وظایف آن تنها اجرای سیاست خارجی است لکن نقش آن از اجرای صرف بیشتر می‌شود. چون اولا وزیر خارجه در مراجع تصمیم‌گیر مانند شورای عالی امنیت و هیات دولت عضو است و نیز در مراجعی مانند مجلس و مجمع تشخیص در موضوعات مرتبط نماینده‌ای از وزارت خارجه حضور دارد. دوم در مسائل سریع و غیرمترقبه که فرصتی برای تصمیم‌گیری در سیر بوروکراتیک سیاست خارجی نیست شخصا تصمیم می‌گیرد و سپس گزارش می‌دهد (همان: ۷۹).

بیشتر سفارت‌خانه‌های ایران به‌عنوان مراکز دیپلماسی جاسوسی و عملیات مخفی عمل می‌کنند. نیروهای سپاه و وزارت اطلاعات با به عهده گرفتن نقش وابستگان فرهنگی یا افسران نظامی هویت خود را می‌پوشانند. این یک تجارت استاندارد است که در تمام کشورها مشترک است. آنچه کارکنان خدماتی منصوب به سفارت‌خانه‌های ایران را از اکثر کشورها جدا می‌کند دفعات ترور است. ایرانیان سفارت‌های خود را برای برنامه‌ریزی و ترور در کشورهایی چون عراق، افغانستان، لبنان و سوریه ترسیم کرده‌اند (سیلینسکی، ۲۰۲۰: ۱۵). نکته دیگر اینکه انتخاب رایزن‌های نظامی برعهده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی است (پورسعید، ۱۳۸۷: ۳۳۰).

د) نهادهای نظامی: ساختارهای دوتایی در دولت ایران در نهادهای نظامی نیز صادق است به این معنا که در کنار ارتش که پاسداری از مرزها را به‌عهده دارد، سپاه پاسداران وظیفه حفاظت از انقلاب اسلامی را در درون و برون مرزها برعهده دارد. آمیزش نقش سیاسی و مذهبی سپاه پاسداران از سویی حاصل ذات ایدئولوژیک نظام جمهوری اسلامی و از دیگر سو برخاسته از تداخل تنگاتنگ کارویژه‌های روحانیون در حفظ ساختار سیاسی-حقوقی و پایه‌های ایدئولوژیک نظام سیاسی ایران با وظایف عقیدتی-نظامی سپاهیان حافظ انقلاب است. بنابراین علاوه بر نفوذیابی شان روحانیون در درون نظام سیاسی معاصر به‌عنوان حافظان عقیدتی، «سپاه پاسداران انقلاب نیز شان تسری رگه‌های ایدئولوژیک به تمامی منافذ نظام سیاسی را یافته است» (محمدی گماری و خلیلی، ۱۳۹۲: ۱۳۸). عرصه دیپلماسی نظامی، نیروی قدس سپاه پاسداران را می‌توان یکی از

بازوهای اجرایی سیاست خارجی دانست که نقش خود را در اجرای سیاست خارجی با هماهنگی دستگاه‌های مربوطه مانند شورای عالی امنیت ملی و وزارت امور خارجه انجام می‌دهد. لازم به ذکر است که اقدامات نیروی قدس صرفاً نظامی نیست و در حوزه آموزش، توجیه سازماندهی، انتقال تجربه و پشتیبانی در گروه‌های بومی هم‌سوی مناطق مختلف است که یکی از نمونه‌های موفق آن حزب الله لبنان به‌عنوان گروهی جهادی و مکتبی است. انصارالله، حشدالشعبی، فاطمیون، حیدریون، حماس و... از دیگر نمونه‌های گروه‌های مقاومت غرب آسیا هستند (qodsonline.ir). به‌علاوه سپاه یک نهاد سیاسی-عقیدتی و امنیتی چندلایه است که در سال‌های اخیر نقش فزاینده‌ای در اقتصاد نیز پیدا کرده است. سپاه فراتر از توابع چندلایه فوق‌الذکر به یک نیروی اقتصادی مرکزی تبدیل شده است. اگرچه اطلاعات رسمی در مورد سهم سپاه در اقتصاد ایران در دسترس نیست اما طبق گزارشاتی حدود یک ششم از تولید ناخالص داخلی ایران را کنترل می‌کند (فروزان و شاهی، ۲۰۱۷: ۶۷).

فعالیت‌های اقتصادی سپاه شامل: بخش نفت و گاز، حتی بخش‌های مالی و بانکی و ارتباط از راه دور ایران. سپاه فقط در برابر رهبر پاسخگو است (فروزان و شاهی، ۲۰۱۷: ۷۲).

ه) قوه مقننه با سه رکن اصلی خود شامل مجلس شورای اسلامی، شورای نگهبان و مجمع تشخیص مصلحت نظام: قوه مقننه از چند منظر در سیاست‌گذاری خارجی نقش دارد؛ اول اینکه مجامع پارلمانی انعکاس‌کننده افکار عمومی هستند و به اشکال مختلف در سیاست خارجی دخیل هستند. مجلس در تصویب کلیه مقاوله‌نامه‌ها و عهدنامه‌ها در سیاست خارجی نقش دارد. همچنین هر تغییر جزئی مرزی، دریافت یا اعطای وام، ارجاع به داوری و استخدام کارشناسان خارجی بر عهده مجلس است (صداقت، ۱۳۹۸: ۷۸). دوم وجود احزاب و گروه‌های مخالف در مجلس که عوامل عمده‌ای در انتقاد از برنامه‌های روابط خارجی است و سومین نکته وجود کمیسیون‌ها و کمیته‌های روابط خارجی در مجالس است که سبب می‌گردد کارشناسان متعدد در آن ضمن کسب اطلاعات و تجزیه و تحلیل به‌طور مستمر در تنظیم سیاست خارجی عمل می‌کنند (قوام، ۱۳۹۲: ۲۳۵). بنابراین نهادهای پارلمانی بیشتر به‌صورت بازوی نخبگان سیاسی عمل می‌کنند و از این حیث نقش مهمی در نقادی، بهانه‌گیری، به تعویق انداختن، تغییر و رد پیشنهادهای سیاست خارجی دارند (خلیلی، ۱۳۸۷: ۸۲). مجلس نهم مجلسی است که در بازه زمانی مورد

نظر ما روی کار بوده است؛ ترکیب جناحی این مجلس با اکثریت آرمان گرایان همراه بوده است. نهادهای غیر رسمی که در سیاست خارجی ایفای نقش می کنند شامل رسانه ها، احزاب و گروه ها، دانشگاهیان، روحانیت و تربیون های ائمه جمعه است. جدول زیر نگاهی کلی از نهادهای دخیل در سیاست خارجی به همراه دیدگاه آنها پیرامون رویکرد واقع گرایی آرمان گرا را ارائه می دهد.

جدول ۱ نمایندگان آرمان گرا و واقع گرا در نهادهای دخیل در سیاست خارجی ج.ا.ا. (۱۳۹۲-۱۳۹۶)

نهادهای دخیل در سیاست خارجی (نمایندگان واقع گرا)	نهادهای دخیل در سیاست خارجی (نمایندگان آرمان گرا)
-	سیاست خارجی مصرح در قانون اساسی
رهبری (ایشان در پاره ای از موارد به عنوان واقع گرا مطرح می شود)	رهبری
ریاست جمهوری	-
وزارت امور خارجه (اعم از وزیر و معاونین و دستیاران ارشد)	-
دیگر اعضای کابینه و وزرا	وزرای کشور، دادگستری، اطلاعات، دفاع
اقلیت کرسی های مجلس شورای اسلامی (دوره نهم)	اکثریت کرسی های مجلس شورای اسلامی (دوره نهم)
-	شورای نگهبان
هاشمی رفسنجانی به عنوان رئیس مجمع	مجمع تشخیص مصلحت نظام
رئیس جمهور به عنوان رئیس شورا	شورای عالی امنیت ملی
-	نهادهای نظامی و شبه نظامی چون سپاه و بسیج
-	متخصصین و دانش آموختگان دانشگاه های امام صادق، امام حسین و قرارگاه سازندگی خاتم الانبیاء
میانگین دیدگاه های اصلاح طلبان و اعتدالیون	میانگین دیدگاه های اصول گرایان
برخی از تشکلهای مهم روحانیت	برخی از تشکلهای مهم روحانیت
برخی سایت ها، روزنامه ها و هفته نامه ها	صداوسیما و برخی روزنامه ها

سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران: واقع گرایی آرمان گرا

سال‌های ۱۳۹۲-۱۳۹۶ یکی از ادواری است که در چند دهه اخیر در سیاست خارجی از اهمیت زیادی برخوردار بوده است و منجر به توافق برجام شده است. این توافق در سطح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی نگرشی جدید را ایجاد کرد. در این زمان فضای منطقه متشنج و ضد ایرانی بود، رقبای منطقه‌ای ایران مسلح شده بودند و گروه‌های ضدایرانی و ضدشیعی در منطقه روبه فزون بود، ایران به‌عنوان تهدیدی برای صلح و امنیت منطقه‌ای معرفی شد و چهره جهانی ایران را لکه‌دار کرد و قامت آن را تضعیف کرد (ظریف، ۲۰۱۴: ۴). با این شرایط در انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۹۲، از ۵۰۴۸۳۱۹۲ واجد شرایط (irna.ir)، ۳۶۸۲۱۵۳۸ نفر یعنی ۷۲.۹۴٪ و طبق آمار مرکز آمار ایران ۵۶ میلیون و ۹۶۶ هزار نفر واجد شرایط شرکت در انتخابات سال ۹۶ هستند (dolat.ir) که پیروزی حسن روحانی را با ۲۳ میلیون و ۶۳۶ هزار و ۶۵۲ رای در انتخابات را نشان می‌دهد (irna.ir)، نشان از تمایل عامه مردم به مواضع اعلامی واقع‌گرایانه روحانی در این برهه زمانی است. این پیروزی همچنین واکنش مثبت و استقبال کشورها و نهادهای بین‌المللی که بازیگران اصلی پرونده هسته‌ای ایران بودند را به همراه داشت. کشورهای ایالات متحده آمریکا، فرانسه، چین، بریتانیا، روسیه که عضو دائم شورای امنیت سازمان ملل متحد و آلمان که در این گروه جای می‌گیرد، مدعی بودند که باتوجه به سیاست‌های اعلامی حسن روحانی برای از سرگیری مذاکرات، «ایجاد محدودیت، شفاف‌سازی و رفع نگرانی‌ها در حوزه هسته‌ای»، دستیابی ایران به بمب اتمی را به تاخیر می‌اندازد (عابدینی و ایزدی، ۱۳۹۶). با حاکم شدن گفتمان اعتدال گرایی، در سطح منطقه و بین‌الملل نیز مسائلی و محورهایی چون تنش‌زدایی و بهبود روابط با همسایگان و غرب، عقلانیت و مسئولیت‌پذیری، اعتمادسازی و دیپلماسی پویا، دوری از تنش‌های منطقه‌ای و بین‌المللی و آمادگی عملی در همزیستی مسالمت‌آمیز و پذیرش کثرت گرایی سیاسی و اقتصادی در دستور کار قرار گرفت. در پرتو تحولات جدید منطقه‌ای اصلی‌ترین چالش سیاست خارجی ایران بهبود روابط با غرب، همسایگان و فائق آمدن بر فشارهای بین‌المللی بود. رویکرد گفتمان اعتدال نسبت به نگرانی‌های منطقه‌ای و بین‌المللی در باب برنامه هسته‌ای ایران مذاکرات هسته‌ای و تصویب برجام^۱ بود. این توافق از آن جهت که دری به روی مذاکره و ارتباط با

غرب و به‌طور خاص آمریکا می‌گشود، اهمیت به‌سزایی در سیاست خارجی ایران داشت. همچنین بندهای آمده در این توافق که عمدتاً به رفع تحریم‌ها، ارتباطات اقتصادی و تجاری با غرب و به‌طور خاص آمریکا، پذیرش بازدیدهای آژانس انرژی اتمی و محدود کردن فعالیت‌های هسته‌ای است، چرخشی از دیدگاه آرمان‌گرایانه و تهاجمی به رویه‌ای واقع‌گرا در چارچوب حقوق و قوانین بین‌الملل را نشان می‌دهد. پیامد اجرایی شدن توافق برجام که بین جمهوری اسلامی ایران با «سه کشور اروپایی / اتحادیه اروپا+۳»^۱ شامل چین، فرانسه، آلمان، روسیه، انگلستان و آمریکا با نماینده عالی اتحادیه اروپا در امور خارجی و سیاست‌های امنیتی صورت گرفت، از یک‌سو در منطقه سبب رهایی از بحران‌های غیرضروری برخی کشورها در راستای اهداف جنگ‌طلبانه و بی‌ثبات کردن منطقه شد و از سویی دیگر سبب ازهم گسیختگی نظم موجود منطقه و تغییر موضع‌گیری‌های کشورهای منطقه علیه ایران شد و همین تغییر در توزیع قدرت نگرانی برخی موجودیت‌ها از جمله عربستان و اسرائیل را برانگیخت.

از منظر اعتدال‌گرایی نظم موجود در نظام بین‌الملل مطلوب نبوده و از عدالت لازم برخوردار نمی‌باشد از این رو معتقد به نقد و اصلاح نظام بین‌الملل هستند. این تحول از طریق اصلاح تدریجی و مسالمت‌آمیز، چندجانبه و نرم‌افزاری باید صورت گیرد. بنابراین دولت اعتدال برآن بود که از یک جهت در چارچوب قواعد و هنجارهای موجود و با مشارکت سایر کشورها نظم موجود را اصلاح کرده و به‌دنبال نظم مطلوب برود و از دیگر سو با عادی‌سازی و بازسازی و توسعه همه‌جانبه روابط با بازیگران بزرگ و موثر مانند اتحادیه اروپا را در دستور کار سیاست خارجی دولت اعتدال‌گرا قرار دهند (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۳: ۳۵). به این ترتیب مذاکرات هسته‌ای با غرب در دستور کار قرار گرفت. در این دوران که واقع‌گرایان طلایه‌دار کرسی‌های قوه مجریه بودند، مجلس نهم با اکثریت آرمان‌گرایان روی کار بودند. در حالی که واقع‌گرایان با توجه به شرایط کشور و منطقه و نیز قطعنامه‌های عدیده شورای امنیت علیه ایران از مذاکرات استقبال می‌کردند، نمایندگان آرمان‌گرای مجلس نهم در این باره رویه‌های سه‌گانه‌ای را در پیش گرفتند؛ دسته اول که اکثریت این کمیسیون ویژه برجام را هم تشکیل می‌دهند متعلق به فراکسیون اصول‌گرایان (حامیان حداد عادل) و برخی دیگر منتسب به جبهه پایداری هستند. این دسته عمدتاً افرادی هستند که قبل

۱ - در ترجمه فارسی توافق به‌جای «سه کشور اروپایی/اتحادیه اروپا+۳» از «۱+۵» که مصطلح‌تر است استفاده شده است.

و بعد از توافق از منتقدان جدی آن و محمدجواد ظریف بودند و برخی از آنها نیز در همایش «ما دلوایسیم» در سفارت سابق آمریکا حضور داشته و هرگونه توافق با غرب را زیر سوال می بردند. دسته دوم متعلق به فراکسیون رهروان ولایت (حامیان علی لاریجانی) در مجلس بوده و مشی اعتدالی داشتند. این فراکسیون از حامیان دولت و موافق جدی توافق هسته‌ای بودند و این عقیده را صراحتاً ابراز می کردند. دسته سوم نیز با وجود عضویت در فراکسیون رهروان ولایت، بعضی مواضعی نزدیک به دسته اول و برخی دیگر به مواضع دسته دوم نزدیک بودند (khabaronline.ir). در اظهارات مخالفین برجام، استکبارستیزی و بدبینی نسبت به آمریکا و روابط با آنان، سعی در تلفیق منافع ملی و ایدئولوژی و البته تاثیر پررنگ تر ایدئولوژی و تاکید بر استقلال هویدا بود. نمایندگان مخالف با تاکید بر عباراتی چون جرثومه فساد و توطئه در مورد آمریکا، تاکید بر شهیدان و مردم سالاری دینی و امثالهم دیدگاه آرمان گرایانه خود را ابراز می داشتند. از نظر رضائی سیال بودن سیاست در میان گروه های ایرانی این امر را ممکن می دارد که آرمان گرایان امروز فردا واقع گرا شوند و برعکس و این امر در جریان برجام و آرای گروه های مختلف در این باره هویدا است چرا که بسیاری از گروه ها و افرادی که برجام و مذاکرات را پذیرفته و تصویب کردند در جرگه آرمان گرایان قرار داشتند. در این بین مقام رهبری که حفظ نظام اسلامی از یک سو و ایجاد توازن از سویی دیگر را در نظر دارد، با توجه به سوگیری واقع گرایانه غالب مردم، مجلس و قوه مجریه در این برهه به حمایت از تیم مذاکره کننده پرداخته و ضمن ابراز بی اعتمادی نسبت به آمریکا از اصطلاح «نرمش قهرمانانه» استفاده کرد. ایشان در یکی از دیدارهای خود با فرماندهان سپاه پاسداران در شهریورماه ۱۳۹۲ گفتند: «ما مخالف با حرکت های صحیح و منطقی دیپلماسی هم نیستیم؛ چه در عالم دیپلماسی، چه در عالم سیاست های داخلی. بنده معتقد به همان چیزی هستم که سال ها پیش اسم گذاری شد «نرمش قهرمانانه»؛ نرمش در یک جاهایی بسیار لازم است، بسیار خوب است، عیبی ندارد، اما این کشتی گیری که دارد با حریف خودش کشتی می گیرد و یک جاهایی به دلیل فنی نرمشی نشان می دهد، فراموش نکند که طرفش کیست، فراموش نکند که مشغول چه کاری است، این شرط اصلی است» (farsi.khamenei.ir). البته چندی پس از تصویب برجام، اقداماتی انجام گرفت که در تعارض با اهداف برجام و سیاست تنش زدایی دولت بود. یکی از این اقدامات حمله به سفارت خانه عربستان در دی ماه ۱۳۹۴ در پی اعدام شیخ

نمر بود. رئیس جمهور، رئیس مجلس و وزیر امور خارجه حمله به سفارت خانه را شدیداً محکوم کردند و برای عاملان مجازات را نوید دادند. رهبری نیز ضمن تقبیح این امر، حمایت کلی خود را از جوانان حزب اللهی ابراز داشتند: «نباید به صرف یک اتفاق بسیار بد و غلط همچون حمله به سفارت عربستان، پای حزب اللهی ها و جوانان مؤمن و انقلابی را وسط بکشند». رهبر انقلاب اسلامی گفتند: عقل و فهم همین جوانان انقلابی و حزب اللهی، و تحلیل آنان در مورد مسائل در موارد زیادی، از برخی بزرگ ترها بهتر است و نباید این جوانانی که سینه چاک انقلاب و اسلام هستند به بهانه حمله به سفارت عربستان و یا قبل تر، حمله به سفارت انگلیس که هر دو به ضرر کشور و اسلام است و بنده هم بدم آمد، تضعیف شوند و مورد تهاجم قرار گیرند» (irdiplomacy.ir). این سخن که دیدگاه دوگانه آیت الله خامنه ای را نشان می دهد، از یک سو واقع گرایانه این عمل را تقبیح می کند و از سویی دیگر با دلگرمی دادن به جوانان حزب اللهی که حامی و پشتیبان ایشان در حفظ انقلاب اسلامی هستند از آنها حمایت می کند.

ورود چند شناور آمریکایی به آب های سرزمینی ایران و به تبع آن توقیف شناورها و به اسارت گرفتن ۱۰ ملوان آنها توسط نیروهای ایران در دی ماه ۱۳۹۴ از دیگر اقداماتی بود که روابط ایران با غرب را در این برهه تحت الشعاع قرار می داد. رهبر در این باره حمایت و رضایت خود نسبت به اقدام نیروهای نظامی کشور را این گونه ابراز داشتند: «... شما به لحظه عمل کردید؛ کارتان بسیار عالی بود، کارتان بسیار جالب بود و درست در وقت خودش هم این کار انجام گرفت...» (farsi.khamenei.ir).

نتیجه گیری

با وقوع انقلاب اسلامی در ایران حوزه های مختلف حکمرانی و به تبع آن سیاست خارجی دستخوش تحول شد. نویسندگان متعدد با رویکردهای گوناگون درصدد بیان الگوی رفتار سیاست خارجی جمهوری اسلامی از زوایا و با رویکردهای مختلف شدند. رویکرد این نوشتار برای بررسی الگوی رفتار سیاست خارجی جمهوری اسلامی در سال های ۱۳۹۲-۱۳۹۶ استفاده از رویکرد واقع گرای آرمان گرا است که توسط روح الله رضانی طرح شده است. در این تحقیق سعی شد که ضمن سامان دهی به این رویکرد، از آن برای بررسی سیاست خارجی سال های ۱۳۹۲-۱۳۹۶

استفاده شود. رویکرد واقع گرایی آرمان گرا دارای اصولی است که آن را از نظریات روابط بین الملل تمیز می دهد. نظم جهانی اسلام به عنوان آرمانی است که این رویکرد آن را دنبال می کند. از منظر واقع گرایی آرمان گرا نظم موجود بین الملل نظمی ناعادلانه و موقتی است و کشورهای اسلامی - با توجه به جهان شمول بودن اسلام - با سرمدمداری جمهوری اسلامی ایران به عنوان نظامی اسلامی - شیعی مسئول جایگزینی آن با نظم جهانی اسلام هستند و جمهوری اسلامی ایران نیز موظف به صدور انقلاب خود برای دستیابی به این مهم می باشد. رویکرد دوگانه واقع گرایی آرمان گرا برای صدور انقلاب روش های دوگانه ای را در پیش می گیرد؛ سویه واقع گرایان رویکردی غیرتهاجمی و درچارچوب نظم و قوانین فعلی نظام بین الملل پی می گیرد و بر این باور است که نظم جهانی اسلام یک آرمان است که به تدریج و درآینده محقق خواهد شد. درحالی که آرمان گرایان با دیدگاهی مواجهه جویانه و بی اهمیت نسبت به نظم و قوانین فعلی نظام بین الملل درصدد برپایی نظم جهانی اسلام هستند.

اصل موازنه منفی، اصل ولایت فقیه به عنوان عامل وحدت و توازن گر، و باور به اسلام به عنوان واحد اساسی وفاداری مردم در جامعه سیاسی از دیگر اصول این رویکرد است که دوسویه طیف واقع گرایان و آرمان گرایان با رویه ای عموماً متفاوت به آن نگریسته اند که در اینجا به آن پرداخته شد.

دولت حسن روحانی به عنوان دولتی واقع گرا که در شرایط متشنج و ضدایرانی - ضدشیعی منطقه از یک سو و قطعنامه های متعدد شورای امنیت سازمان ملل روی کار آمد، در صدد تنش زدایی و همزیستی مسالمت آمیز و مسئولیت پذیری و پاسخگویی در سطح بین المللی برآمد و در این راستا توافق نامه برجام انجام گرفت. شرایط داخلی و فشارهای بین المللی موافقت اکثریت مردم به مواضع اعلامی حسن روحانی را در پی داشت و این مسئله سبب نرمش مواضع تند بسیاری از آرمان گرایان گشت که به پذیرش و تصویب برجام انجامید. در این اثنا مخالفت های شدیدالحن کنگره آمریکا و تعرض به آب های ایران یا اقدامات ضدشیعی کشورهای همسایه سبب ایجاد تنش با هدف برهم زدن توافق بود چرا که انجام برجام سبب برهم خوردن نظم منطقه به نفع ایران و به ضرر موجودیت هایی از جمله اسرائیل و عربستان بود.

نتیجه این مباحث در این امر خلاصه می شود که عوامل متعددی در سیاست خارجی ۱۴۵

جمهوری اسلامی ایران دخیل است که صرف‌نظر از اینکه واقع‌گرایان در راس هرم قدرت باشند یا آرمان‌گرایان، رفتارهایی تقریباً یکسان را شاهد هستیم. ژئوپلیتیک و شرایط منطقه و نظام بین‌الملل یکی از این عوامل است. به‌علاوه در سطح داخلی نیز نهادها و ایستارهایی وجود دارد که سیاست خارجی را مستقیم و غیرمستقیم تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. مانند قانون اساسی که نهادی عمدتاً آرمان‌گرا محسوب می‌شود یا نهادهای نظامی چون سپاه پاسداران که نهادهای دارای قدرت نظامی و اقتصادی و سیاسی زیادی است. رهبری یکی دیگر از این نهادهای آرمان‌گرا است؛ هرچند در قالب توازن‌گر از ولی فقیه یاد شده است ولی نهاد رهبری در عمده موارد دیدگاهی آرمان‌گرایانه اتخاذ کرده است. این موارد همه نشان‌دهنده آن است که صرف‌نظر از اینکه کدام طیف روی کار باشد عمده رفتار سیاسی کشور یکسان خواهد بود و نکته دیگر اینکه برای اجرای سیاست تنش‌زدایی تنها خواست و اراده یک دولت و حتی شرایط و خواست داخلی کافی نمی‌باشد بلکه در این راه کشورهای منطقه و شرایط بین‌الملل نیز باید هم‌سوئی داشته باشند. در شرایطی که موج موافق در جمهوری اسلامی در راستای توافق برجام صورت می‌گیرد شناورهای نظامی ایالات متحده به آب‌های سرزمینی ایران وارد می‌شوند و موج تنش و بی‌اعتمادی و بدبینی اوج می‌گیرد؛ یا در قریب همان زمان عربستان با اعدام شیخ نمر شیعه، شعله تنش‌ها را بالا می‌برد. پس می‌توان دریافت که عده‌ای در سطح داخلی، منطقه‌ای و فضای بین‌المللی وجود دارند که ارتباطات عادی جمهوری اسلامی با منافع و ارزش‌های ایشان سازگار نیست و بنابراین اقداماتی در خلاف سیاست تنش‌زدایی انجام می‌دهند. برای رفع تنش‌ها و عادی‌سازی روابط جمهوری اسلامی در نظام بین‌الملل لازم است که این متغیرهای نیز در راستای تنش‌زدایی کنترل شوند.

فهرست منابع

- ۱- ابراهیمی، حسین و علی باقری دولت‌آبادی (۱۳۹۵)، «توسعه‌محوری در دولت‌سازندگی و الزامات آن برای سیاست خارجی ایران»، فصلنامه دولت‌پژوهی، شماره شش، سال دوم، تابستان ۱۳۹۵، ۱۳۳-۱۷۳.
- ۲- ابراهیمی، شهروز (۱۳۸۸)، «بررسی واسازانه نقش ایدئولوژی در سیاست خارجی ایران و پیوند آن با واقع‌گرایی و آرمان‌گرایی»، فصلنامه بین‌المللی روابط خارجی، شماره چهار، سال اول، ۱۳۸-۱۱۵.
- ۳- احمدیان، قدرت و سیدامیرحسین بنی‌اشراف (۱۳۹۸)، «سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران: ارتقاء شان»، فصلنامه تحقیقات سیاسی بین‌المللی، شماره ۳۸، ۱۵۷-۱۸۲.
- ۴- احمدی‌خوی، امیررضا؛ ابراهیم متقی و سیدامیر نیاکوئی (۱۳۹۷)، «آرمان‌های راهبردی و عمل‌گرایی تاکتیکی در سیاست خاورمیانه‌ای ایران»، فصلنامه ژئوپلیتیک، شماره اول، سال چهاردهم.
- ۵- باقری، مسلم و علی محمد حقیقی (۱۳۹۶)، «احزاب و نشاط سیاسی در ایران (مطالعه موردی: در دولت یازدهم)»، مجله بین‌المللی پژوهش ملل، دوره سوم، شماره ۲۵.
- ۶- برچیل، اسکات (۱۳۹۱): «لیبرالیسم»، نقل شده در نظریه‌های روابط بین‌الملل، روح‌الله طالبی آرانی و حمیرا مشیرزاده، تهران: نشر میزان، ۸۷-۱۲۷.
- ۷- پورسعید، فرزاد (۱۳۸۷)، «ساختار و روند تصمیم‌گیری در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران: تحلیل متون آموزشی و پژوهشی»، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره دوم، سال یازدهم.
- ۸- جانباز، دیان و علی‌اکبر جعفری (۱۳۹۵)، «تنوع گفتمانی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و وجوه دیپلماسی نوین هسته‌ای»، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، شماره ۱۶، شماره پیاپی ۴۶.
- ۹- خانی، حسین (۱۳۹۳)، «دولت‌گرایی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران: تطبیق دکترین‌های «ام‌القری» و «تعامل فرآینده»، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، شماره ۸، سال ۲.
- ۱۰- خانی، محمدحسن و حسین محمدی‌سیرت (۱۳۹۵)، «تاثیر ایدئولوژی بر منافع ملی و امنیت ملی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران؛ با تأکید بر اندیشه امام خمینی (ره)»، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، شماره چهارم، سال ششم.
- ۱۱- خسروی باب اناری، ملک تاج (۱۳۹۶)، «رویکرد سیاست خارجی دولت یازدهم نسبت به نظم و امنیت منطقه خاورمیانه»، فصلنامه مطالعات بین‌الملل، شماره ۳۹، سال دهم، ۳۱-۵۸.
- ۱۲- خلیلی، محسن (۱۳۸۷)، «مجلس شورای اسلامی (نفوذپذیری-تصمیم‌گیری)»، پژوهشنامه علوم سیاسی، شماره ۲، سال سوم.
- ۱۳- دانلی، جک (۱۳۹۱): «واقع‌گرایی»، نقل شده در نظریه‌های روابط بین‌الملل، روح‌الله طالبی آرانی و حمیرا مشیرزاده، تهران: نشر میزان، ۴۹-۸۷.
- ۱۴- دهشیری، محمدرضا (۱۳۷۸)، «آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی در سیاست خارجی از دیدگاه امام خمینی»، مجله سیاست خارجی، شماره ۲، سال سیزدهم، ۳۲۹-۳۵۶.
- ۱۵- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۹۱)، «نوواقع‌گرایی و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه سیاست خارجی، سال بیست و هشتم.
- ۱۶- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال (۱۳۹۰)، «واقع‌گرایی نوکلاسیک و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه سیاست خارجی، شماره دو، سال بیست و پنجم.
- ۱۷- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال (۱۳۹۳)، «گفتمان اعتدال‌گرایی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه سیاست خارجی، شماره ۱، سال بیست و هشتم، ۱-۳۹.
- ۱۸- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال (۱۳۸۶)، «گفتمان اصول‌گرایی عدالت‌محور در سیاست خارجی احمدی‌نژاد»، فصلنامه دانش سیاسی، شماره ۵.
- ۱۹- رضایی، علیرضا (۱۳۸۷)، «تبیین دوره‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از منظر تئوری‌های روابط بین‌الملل»، فصلنامه راهبرد، شماره چهل و هشت، سال شانزدهم، ۸۰-۱۰۰.
- ۲۰- رضایی، علیرضا (۱۳۸۸)، «تحلیل سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در پرتو نظریه‌های بین‌الملل»، فصلنامه راهبرد، شماره هفده.

- ۲۱- رمضان، روح‌الله (۱۳۸۴)، «سیاست خارجی ایران: سمت‌گیری متعارض»، نقل در چارچوب تحلیلی برای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، ترجمه علیرضا طیب، تهران: نشرنی.
- ۲۲- رمضان، روح‌الله (۱۳۷۶)، «تغییر پیش‌انگاره‌های سیاست خارجی ایران: به سوی صلحی مردم‌سالارانه»، ترجمه علیرضا طیب، مجله اطلاعات سیاسی-اقتصادی شماره ۱۲۹ و ۱۳۹، ۱۱۶.
- ۲۳- رمضان، روح‌الله (۱۳۷۷)، «تغییر پیش‌انگاره‌های سیاست خارجی ایران: به سوی صلحی مردم‌سالارانه»، ترجمه علیرضا طیب، مجله اطلاعات سیاسی-اقتصادی، شماره ۱۲۹ و ۱۳۰.
- ۲۴- رمضان، روح‌الله (۱۳۸۸)، «درک سیاست خارجی ایران»، فصلنامه بین‌المللی روابط خارجی، شماره اول، سال اول، ۱۱-۲۰.
- ۲۵- روییس اسمیت، کریستین (۱۳۹۱)، «سازهانگاری»، نقل شده در نظریه‌های روابط بین‌الملل، روح‌الله طالبی آرانی و حمیرا مشیرزاده، تهران: نشرمیزان.
- ۲۶- زارعی رضایی، محمدحسین و محمدرضا عبدالله نسب (۱۳۹۷)، «اصول نظری پیوند آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی در جمهوری اسلامی ایران با تاکید بر اندیشه‌های آیت‌الله خامنه‌ای، دومین همایش بین‌المللی حقوق علوم سیاسی و معارف.
- ۲۷- ساداتی‌نژاد، سیدمحمد؛ احسان جعفری‌فر و سیدعلی ساداتی‌نژاد (۱۳۹۸)، «نگاه فقهی امام خمینی (ره) به روابط بین‌الملل»، راهبرد سیاسی، شماره ۸، ۲۳-۶۳.
- ۲۸- سرمدی، حمید و علیرضا ازغندی (۱۳۹۵)، «جنگ تحمیلی و تاثیر آن بر گفتمان سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران (از آرمان‌گرایی دهه اول به عمل‌گرایی منفعت‌محور دهه دوم انقلاب اسلامی)»، ماهنامه پژوهش ملل، شماره ۱۰، دوره اول، ۱-۱۵.
- ۲۹- سیف‌زاده، حسین (۱۳۸۹)، «دامنه رویکردی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی نسبت به آمریکا از «رویاگرایی پیش‌دستانه» تا واقع‌گرایی پیشگیرانه»، فصلنامه سیاست، شماره ۱، دوره ۴۰، ۱۳۵-۱۵۸.
- ۳۰- شریعتمداری، علی و قربانعلی قربان‌زاده سوار (۱۳۹۵)، «مبانی نظری پیوند آرمان‌ها و واقعیت‌ها در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) مطالعه موردی: سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران جستارهای سیاسی معاصر»، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، شماره سوم، سال هفتم، ۸۳-۱۰۳.
- ۳۱- شفیعی‌فر، محمد (۱۳۸۶)، «اصول‌گرایی و قانون اساسی»، زمانه، شماره ۵۵.
- ۳۲- شهرام‌نیا، مسعود و نازنین نظیفی نائینی (۱۳۹۲)، «تعامل و تقابل ملی‌گرایی و اسلام‌گرایی پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران»، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، شماره پنج، سال دوم.
- ۳۳- صادق، زبیاکلام و محسن زمانی (۱۳۹۷)، «مفهوم تعادل در سیستم سیاسی جمهوری اسلامی ایران، مطالعه موردی عملکرد پسابرجامی»، فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، شماره اول، دوره هشتم.
- ۳۴- صالحیان، تاج‌الدین و رضا سیمبر (۱۳۹۷)، «منابع اجتماعی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی، شماره ۲۶، دوره هشتم.
- ۳۵- صوری، ضیاءالدین . تاج‌الدین صالحیان (۱۳۹۵)، «بررسی راهبردی دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران مطالعه موردی: دولت یازدهم و دوازدهم»، پژوهش‌های روابط بین‌الملل، شماره ۲۴، دوره اول، ۱۳۳-۱۵۷.
- ۳۶- صداقت، سهراب (۱۳۹۸)، «پیامدهای ژئوپلیتیکی قرار گرفتن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در لیست گروه‌های تروریستی»، پژوهشنامه حقوق بشری، شماره دوم، سال پنجم.
- ۳۷- صنیعی، سحر (۱۳۹۶)، «آشفته‌گی‌های لیبرالیسم ایرانی در ساحت فکر سیاسی»، ماهنامه پژوهش ملل، شماره ۲۴، دوره دوم.
- ۳۸- طباطبایی، سیدمحمد و میلاد توپچی (۱۳۹۴)، «مقایسه سیاست‌های هسته‌ای ایران در دوره اصلاحات و اصول‌گرایی»، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، شماره ۱۳، سال چهارم.
- ۳۹- عابدینی، حسن، جهانبخش ایزدی (۱۳۹۶)، «نقش متغیرهای داخلی بر سیاست‌گذاری دولت یازدهم»، فصلنامه مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی، شماره ۲۵، دوره ۷.
- ۴۰- عبدالله نسب، محمدرضا و محمدحسین زارعی رضایی (۱۳۹۷)، «اصول نظری پیوند آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی در جمهوری اسلامی ایران با تاکید بر اندیشه سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای»، دومین همایش بین‌المللی حقوق علوم سیاسی و معارف اسلامی، تهران.
- ۴۱- غریب‌اق زندی، داوود (۱۳۸۷)، «اصول و مبانی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران: جستاری در متون»، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره دوم، سال یازدهم.

- ۴۲- فوزی، یحیی؛ سکینه فرج زاده و زهرا ناظری (۱۳۸۸)، «عوامل ثابت و متغیر در سیاست خارجی ایران بعد از انقلاب اسلامی: مطالعه مقایسه‌ای دوران جنگ تحمیلی و سازندگی»، نخستین همایش بین‌المللی تحولات جدید ایران و جهان، قزوین، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی.
- ۴۳- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.
- ۴۴- قوام، سید عبدالعلی (۱۳۹۲)، اصول سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل، تهران: سمت، چاپ نوزدهم.
- ۴۵- کنگاوری قادری، روح‌الله (۱۳۹۷)، «نقش مستشاری جمهوری اسلامی ایران در تامین امنیت منطقه‌ای»، فصلنامه آفاق امنیت، شماره چهلیم، سال یازدهم.
- ۴۶- کولایی، الهه و حسن شکوه (۱۳۹۰)، «نقش تحولات اقتصادی و اجتماعی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۷۶-۱۳۶۸)»، فصلنامه سیاست، شماره ۱۸.
- ۴۷- محمدنیا، مهدی (۱۳۹۴)، «بررسی تطبیقی سیاست خارجی دولت‌های اصول‌گرا و اعتدال»، فصلنامه سیاست‌پژوهی، شماره ۱، دوره ۲.
- ۴۸- محمدی گماری، سعید و محسن خلیلی (۱۳۹۲)، «تاثیر عوامل متغیر در ناهمبندی کارکرد سیاست خارجی ایران (۱۳۵۷-۱۳۸۴)»، پژوهشنامه ایرانی سیاست بین‌الملل، شماره ۲، سال اول.
- ۴۹- محمودخانی، زهرا و گارینه کشیشیان (۱۳۹۵)، «بررسی مقایسه‌ای گفتمان‌های سیاست خارجی دولت دهم و یازدهم و تاثیر آن بر امنیت منطقه خاورمیانه (۱۳۸۴-۱۳۹۴)»، فصلنامه سیاست خارجی، شماره ۲، سال سی‌ام، ۷-۳۵.
- ۵۰- ملکی، عباس (۱۳۸۲)، «فرآیند تصمیم‌گیری در سیاست خارجی ایران»، راهبرد، شماره ۲۷.
- ۵۱- ملکی، عباس (۱۳۸۵)، «کندو کاو در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران (۱)، مفاهیم مطرح و فرآیند انجام سیاست خارجی جمهوری اسلامی»، راهبرد توسعه، شماره ۵.
- ۵۲- هاشمی، حسین؛ غلامرضا اکبری؛ حسنعلی بازرگان؛ محمد نادری و علیرضا خورشیدی (۱۳۸۹)، «طراحی الگوی آینده‌پژوهی در توسعه منابع انسانی (مورد: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی)»، پژوهش‌های مدیریت منابع انسانی.
- ۵۳- پایگاه اطلاع‌رسانی دولت (۱۳۹۵)، <https://dolat.ir/detail/289616>
- ۵۴- جریبان‌شناسی سیاست خارجی خاتمی- سیاست خارجی که خوشایند غرب بود، <http://revolution.pchi.ir/show.php?page=contents&id=12691>
- ۵۵- خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۲)، «ترمش قهرمانانه» به‌معنای ارتقای دیپلماسی است، <https://farsi.khamenei.ir/others-dialog?id=24039>
- ۵۶- خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۴)، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=32145>
- ۵۷- خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۴)، دیپلماسی ایران، <http://irdiplomacy.ir/fa/news/1955808>
- ۵۸- دوازدهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری، خبرگزاری ایرنا، <https://www.irna.ir/news/84368141>
- ۵۹- عبدی، عباس، «مقالات و یادداشت‌هایی پیرامون اصلاحات به مثابه یک روش و نقد اصلاح‌طلبان» (۱۳۸۴ تا ۱۳۹۱)، نقل شده در: <https://groups.google.com/g/persianebooks/c/q18eWjH45LY>
- ۶۰- مجموعه اهداف، وظایف و پست‌های سازمانی وزارت کشور (۱۳۹۲)، معاونت توسعه مدیریت و سرمایه انسانی رئیس‌جمهور، معاونت نوسازی اداری، امور ساختارهای سازمانی، https://tahavol.ostan-chb.ir/afiles/up/ta_havol/36/other
1. Bastani, Hossein (2014), "Rouhani in the Islamic Republic", Middle East and North Africa Programme, November 2014.
2. Forozan, Hesam, and Shahi, Afshin (2017). The Military and the state in Iran: The Economic Rise of the Revolutionary Gards, Middle East jurnal, Volume 71, No: 1 winter 2017.
3. R.Kramazani (1992) Irans foreign policy: Both North and South, Middle East
4. Silinsky, Mark (2020). Iran's Islamic Revolutionary Gard: Its similary to the soviet KGB and the German SS and Gestapo, the journal for interdisciplinary Middle East studies. Volume 6, No 1, spring 2020.

5. Zarif, Mohammad Javad (2014), “ What Iran Really Wants Iranian Foreign Policy in the Rouhani Era”.Foreign Affairs, may2014.